

غسل

دیزاین: الحاج سلیم عابد پیمان سویدن



Ketabton.com



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

غسل

بسم الله الرحمن الرحيم

غسل

غسل :

غسل در زبان عربی (به فتح و ضم غ) به معنی جاری شدن آب بر هر چیزی است. و در اصطلاح فقه و شرع اسلامی به معنی جاری شدن آب بر تمام بدن انسان است از روی قصد و نیت.

غسل در ادیان ابرهیمی:

قبل از همه باید گفت که : آب و غسل در ادیان ابرهیمی از مقام خاصی برخوردار است: یهودیان در مناسک دینی خود از آب استفاده می‌کنند تا پاکی و طهارت خود را حفظ کنند. طوری که میدانید ، شستن دست‌ها قبل و بعد از خوردن غذا در دین یهودیت واجب است. بخصوص شخصی که جدیداً به دین یهودیت مشرف میشود، انجام غسل بر آن واجب و لازمی میباشد . در دین یهودیت، مردان در روزهای جمعه و قبل از جشن‌های بزرگ مذهبی ، مراسم غسل را انجام میدادند، و زنان نیز قبل از مراسم ازدواج، پس از ولادت این فریضه را بصورت حتمی بجا می‌آورند.

در دین یهودیت ، مراسم تطهیر، نماد احیاء و حفظ پاکی و خلوص مذهبی است و ریشه‌های آنرا می‌توان در تورات یافت. این غسلها شامل شستشوی دستها، شستشوی دستها و پاها و یا فروبردن تمام بدن به زیر آب می‌شوند که باید با آب جاری که آب بحر، دریا و یا چشمه است، انجام گیرند. طوری که در فوق یاد آور شدیم در معابد، غسل توسط کاهنان، بعنوان يك آیین مقدماتی هنگام روی آوردن افراد به دین یهودیت صورت می‌گیرد . کاهنان پیش از شرکت در مراسم معبد باید دستها و وپای های خویش را پوشیند . شستن دستها نه تنها قبل و بعد از صرف غذا، بلکه در بسیاری از مناسبت‌های دیگر نیز اجرا می‌شود. در فصل‌های ششم الی هشتم در کتاب پیدایش (نخستین کتاب تورات) داستان طوفان نوح آمده است. خداوند با فرستادن سیلی عظیم نوع بشر را هلاک کرد و تنها نوح علیه‌السلام و خانواده‌اش و جفتی از هر حیوان توسط کشتی نوح نجات یافتند. داستان این سیل مهیب در فرهنگ‌های دیگری چون بومیان استرالیا و برخی از ساکنین جزایر اقیانوس آرام نیز وجود دارد.

اما داستان قوم یهود از آن جهت متمایز گشته که بر انصاف و عدالت خداوند تاکید می‌ورزد. سیل، کيفري الهی است که نوح علیه‌السلام بواسطه ارزش‌های اخلاقی‌اش از آن نجات می‌یابد. سیل با پاک کردن همه گناهان از روی زمین، امکان زندگی دوباره را به بشر داد. بحریه سرخ در تاریخ یهودیت از مقام و منزلت خاصی برخوردار است زیرا در آغاز مهاجرت بنی اسرائیل موسی و قوم یهود با عبور از آب از دست سربازان فرعون که در تعقیب آنها بود نجات یافتند.

خدا به موسی علیه‌السلام کمک کرد تا به همراه قوم بنی اسرائیل از رود نیل عبور کرده و بسلامت به سرزمین‌های آنسوی رود نیل برسند. و قوم فرعون را غرق کرد ، این معجزه پاداش ایمان موسی علیه‌السلام و قومش که قوم برگزیده خداوند محسوب می شدند، بود.

میقوه (mikveh) نوعی غسل در دین یهودیت برای طهارت بدن پس از تماس با مرده ، و همچنین پس از قاعدگی است. این عمل برای غسل دادن ظروف و نیز بعنوان یکی از آیین‌های مقدماتی هنگام روی آوردن افراد به دین یهودیت ، صورت می‌گیرد. این غسل باید با آبی که قبلاً در هیچ ظرفی ریخته نشده و تراوشی بدون آن صورت نگرفته باشد، انجام گیرد.

میقوه از دوران باستان ریشه می‌گیرد، دورانی که مردم پیش از ورود به معبد باید خود را در میقوه

غسل

(محلي که آب فراوان در آن تجمع کرده باشد) طهارت می‌کردند. در این مورد اهمیت آب بدلیل خاصیت پاک‌کنندگی‌اش می‌باشد.

مسیحیت

تقریباً همه کلیساها و فرقه‌های مسیحیت مراسم عبادی اولیه‌ای دارند که در آن آب استفاده می‌شود، غسل تعمید نماد نجات بنی اسرائیل از بردگی در مصر توسط حضرت موسی علیه‌السلام و بواسطه عبورشان از دریای سرخ بوده و همچنین از تعمید عیسی مسیح علیه‌السلام توسط یحیی تعمید دهنده در اردن ریشه می‌گیرد.

پس از رستاخیز مسیح علیه‌السلام، وی حواریون خود را به تعمید دادن بنام پدر، پسر و روح القدس فرمان داد. (انجیل متی- باب 28، آیات 19 و 20)

فرقه‌های مختلف در عالم مسیحیت هرکدام بگونه‌ای متفاوت به مسئله غسل تعمید می‌نگرند. غسل تعمید نماد رهایی از بند گناهانی است که ما را از خداوند دور می‌کنند.

بجز کلیسای کاتولیک، سایر فرقه‌ها معتقدند که غسل تعمید به تنهایی موجب پاک‌ی فرد از گناه نمی‌گردد بلکه این تنها اعلامیه‌ای بیانگر ایمان و اعتقاد به مسیحیت و نوعی خوش آمدگویی هنگام ورود شخص د به کلیساست.

اما کلیسای کاتولیک معتقد است که بهنگام غسل تعمید تحولی عظیم در انسان رخ می‌دهد و این تنها یک نماد نیست بلکه عملی است که لکه ننگ گناه نخستین را از انسان می‌زداید.

ارزش نمادین آب در سه چیز است:

آب، آلودگی‌ها را می‌زداید و پاک می‌گرداند، بدون هرچه راه یابد آنرا سیراب می‌کند آنچنان که خدا بندگانی را که غرق او شوند سیراب می‌کند و ما همچنان که برای حیات معنوی به خدا نیازمندیم برای حیات فیزیکی نیز محتاج آبییم.

در کلیسای عهد عتیق، غسل تعمید توسط فردی که درون آب ایستاده و آنرا به بالاتنه افراد می‌پاشید، انجام می‌گرفت. این عمل ایمرژن (immersion) نامیده می‌شد. اما امروزه این اصطلاح به فرو بردن تمام بدن به زیر آب اطلاق می‌شود که توسط تعمیددهندگان و کلیسای ارتدکس اجرا می‌گردد.

امروزه در بیشتر کلیساهای غرب این آیین با سه بار آب ریختن روی سر فرد (افیوژن) (affusion) و یا تنها پاشیدن چند قطره روی سرش (اسپرشن - aspersion) انجام می‌شود. اهمیت دیگر آب در مسیحیت آن چیزی است که مسیح علیه‌السلام آنرا آب حیات نامیده (انجیل یوحنا. باب چهارم: آیات یکم تا چهل و دوم) داستان مسیح علیه‌السلام و زن سامری است. مسیح آب حیات را به زن پیشنهاد می‌کند تا دیگر هرگز احساس تشنگی نکند. به عبارت دیگر آب حیات همان حیات جاودانه است.

آب حیات، آب متبرکی است که در دین یهودیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، بخصوص آب حیات به آبی گفته می‌شود که در شب عید پاک، برای تعمید دادن تازه واردان به مذهب مسیحیت، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تاریخ استفاده از آب برای تعمید دادن، به قرن چهارم در مشرق زمین و قرن پنجم در غرب باز می‌گردد. سنت آب پاشیدن روی افراد در آیین عشاء ربانی از قرن نهم آغاز شد. در این زمان استفاده از قدح که ظرفی بود حاوی آب مقدس و مردم هنگام ورود به کلیسا خود را با آن تعمید می‌دادند، بسیار متداول بود.

همچنین در دعای پیش از غذا، تبرک کردن، دفع ارواح شیطانی و مراسم تدفین، از آب مقدس استفاده می‌گردد.

طهارت در مسیحیت عمدتاً شامل غسل تعمید و شستشوی انگشتان و ظروف عشای ربانی پس از پایان مراسم می‌شود. این عمل در دو مرحله انجام می‌گیرد: ابتدا جام را با شراب شسته و سپس

غسل

دوباره جام و انگشتان کشیش را با آب و شراب غسل می‌دهند. این غسل بسیار مهم است زیرا این باور وجود دارد که پس از تبرک نان و شراب، مسیح علیه‌السلام ظهور می‌کند.

آب در دین مقدس اسلام :

آب در دین مقدس اسلام از اهمیت بخصوص و پر اهمیت برخوردار ، طوریکه آب بعد از انسان، با ارزش‌ترین مخلوقات پروردگار با عظمت در قرآن عظیم الشان معرفی گردیده . قرآن عظیم الشان در 43 سوره اضافتر 63 باره از آب با معانی گوناگون یاد نموده است قرآن عظیم انسان را به تفکر درباره‌ی آب دعوت نموده و شکرگزار بودن نسبت به این نعمت بزرگ را یادآور شده است.

پروردگار با عظمت ما در (آیه 30 سوره انبیاء) با زیبای خاصی درباره اهمیت و ارزش آب می‌فرماید: «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم» این آیه بیانگر واقعیتی است که دلالت بر آفرینش همه‌ی موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و انسان از آب دارد. نعمت‌های الهی امانت‌هایی هستند که خداوند متعال برای رشد و تعالی انسان‌ها در اختیار ما قرار داده است. پس بهره‌برداری و استفاده از آب باید مطابق اوامر الهی و در جهت سعادت جاودانی انسان صورت گیرد . در آیات قرآنی و احادیث نبوی ، با تعبیرهای مختلف، اسراف و زیاده‌روی در هر کاری، به طور عام و در مورد آب، به طور خاص مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است . در دین مقدس اسلام حتی اسراف آب در وضو گرفتن و غسل کردن نیز نهی شده است.

موجبات غسل:

شش چیز شرعا موجب غسل می‌گردد که سه تای آنها بین زنان و مردان مشترک است.

- 1- اول برخورد و تماس دو محل ختنه شده در شرمگاه زن و مرد با هم. این برخورد و التقای دو محل ختنه شده (ختانین) در اصطلاح شرع یعنی ناپدید شدن سر آلت تناسلی مرد در شرمگاه پیش یا پس انسان یا حیوان است، خواه انزال منی صورت گیرد یا صورت نگیرد، بنابر حکم حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که می‌فرماید: «إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ أَوْ مَسَّ الْخِتَانُ الْخِتَانَ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ» . (رواه مسلم). (هرگاه دو محل ختنه شده زن و مرد با هم برخورد پیدا کردند غسل واجب می‌شود) .
- 2- خارج شدن منی در بیداری یا در خواب خواه از روی شهوت باشد یا از روی شهوت نباشد چون پیامبر به طور مطلق فرموده است: « إِنَّمَا الْمَاءُ مِنَ الْمَاءِ » (رواه مسلم). (بی گمان آب از آب است، غسل بوسیله انزال منی واجب می‌شود - تا آب منی بیرون نیاید آب غسل لازم نیست).
- 3- سوم مرگ است چون پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره کسی که در احرام بود و شترش او را به زمین زد و مرد فرمود: «اغْسِلُوهُ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ» . (رواه الشیخان) . (او را با آب و سدر غسل و شستشو دهید).

و اما آن سه چیز که موجب غسل اند و به زنان اختصاص دارد:

1- اول حیض و قاعدگی است. چون خداوند می‌فرماید: « وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ » (سوره بقره/ 222).

(در حالت قاعدگی از زنان کناره گیری نمایید (همبستر نشوید و مقاربت جنسی نکنید) تا این که پاک شوند و هنگامیکه پاک شدند از طریقی که خداوند به شما فرمان داده است با آنها آمیزش کنید» .

و در روایت بخاری آمده است: « ثُمَّ اغْتَسِلِي وَصَلِّي » . (سپس غسل کنید و نماز بخوانید).

2- دوم نفاس و داشتن خون ریزی زایمان است و آنها هم چون حیض و قاعدگی است و حکم آن را دارد، چون در حقیقت خون حیض است که در مدت حمل جمع شده است. و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر آن اجماع داشته اند که نفاس مانند حیض است.

3- سوم وضع حمل است، اگر چه جنین سقط شده به صورت خون بسته یا پاره گوشت باشد. در

غسل

این حال به دو علت غسل واجب می شود، یکی این که در ولادت و زایمان گمان خون ریزی است و در اینگونه موارد حکم به این گمان می شود همان گونه که چون در خواب احتمال بی وضوئی می رود خواب ناقض وضوء است. و دوم این که جنین، منی و آب مرد و زن است که منعقد شده و بدین صورت درآمده است، و بدیهی است که بیرون آمدن آب منی موجب غسل است.

فرائض غسل:

فرائض غسل دو چیز است:

اول:

نیت غسل کردن چون پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: « إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ » .
(ارزش اعمال با نیت تحقق می پذیرد).

نیت و قصد و اراده صرفاً یک عمل قلبی است و با شستن اولین جزء بدن تحقق می پذیرد و کیفیت آن به اینصورت است که شخص جنب قصد و نیت رفع جنابت یا برطرف کردن بی وضوئی بزرگ (رفع حدث اکبر) را از همه بدن خود می کند. و زن پس از پاک شدن از خون ریزی حیض و نفاس قصد و نیت برطرف کردن ناپاکی و حدث و بی وضوئی حیض و نفاس را می کند.

برای صحت و درستی غسل شرط است که اول نجاست و ناپاکی را از بدن خویش دور سازد، بعد نیت غسل کند. چون آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به زنی فرمود: خون را بشوئید و خود را پاک کنید و سپس نماز بخوانید. برخی شستن و ازاله نجاست را از جمله فرائض غسل دانسته اند ولی حقیقت آنست که شرط غسل است.

دوم:

رسیدن آب به بیغ موها و تمام پوست بدن است، چون پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: « تَحْتَ كُلِّ شَعْرَةٍ جَنَابَةٌ فَبَلُّوا الشُّعُورَ وَ نَقُّوا الْبَشْرَةَ » (رواه ابوداود و الترمذی و ابن ماجه).

(زیر هر مویی از مویهای بدن جنابتی است پس همه مویهای بدن را تر کنید و بشوئید و تمام پوست بدن را پاکیزه نمایند.) و در لفظ دیگری آمده است: به حقیقت در زیر هر مویی جنابتی وجود دارد، پس موی را بشوئید و پوست بدن را پاکیزه کنید. و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: « مَنْ تَرَكَ مَوْضِعَ شَعْرَةٍ مِنْ جَنَابَةٍ لَمْ يَغْسِلْهَا فَعَلِ بِهِ كَذَا وَ كَذَا مِنَ النَّارِ ». (هرکس در غسل جنابت جای یک موی را ناشسته بگذارد در آتش دوزخ با وی چنین و چنان می شود).

علی بن ابیطالب رضی الله عنه میفرماید: به همین جهت از موی سرم بدم می آمد و با آن به دشمنی برخاستم و او موی سر خود را می تراشید. (احمد و ابوداود و ابن ماجه این سخن حضرت علی را ذکر کرده اند).

اگر آب غسل به زیر و ته مویهای بافته شده نرسد باز کردن آنها واجب است، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (مویها را بشوئید و ترک کنید) و (هرکس جای یک موی را ناشسته بگذارد ...) و اما آنچه از ام سلمه ك روایت شده که گفت: گفتیم: ای رسول الله من عادت دارم که موی سر را بیافم آیا برای غسل جنابت آنها را باز کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: « إِنَّمَا يَكْفِيكَ أَنْ تَحْتِيَ عَلَى رَأْسِكَ حَنَائِبَ ثُمَّ تَفِيضِي عَلَيْهِ الْمَاءَ فَتَطْهَرِينَ ». (برای تو کفایت می کند که سه بار بر سر خود آب بریزی سپس بر تمام بدن آب بریزی آنوقت تو پاک شده ای.) (مسلم در صحیح خود آن را روایت کرده است).

هدف از آن وقتی است که موی تنک و کم پشت باشد و بافتن آن مانع رسیدن آب به زیر موی ها و به پوست بدن نشود.

در این صورت همه احادیث در جای خود مورد عمل قرار می گیرند و باصطلاح جمع بین ادله می شود و تعارضی با هم ندارند.

و شستن تمام پوست بدن که ظاهر و آشکار است حتی آنچه که از سوراخ گوشها و دگر شکافها و

غسل

لابلای بدن و زیر پوست حلقه آلت تناسلی مرد که ختنه نشده و آن قسمت از آلت تناسلی زن که به هنگام نشستن برای قضای حاجت آشکار می شود، واجب می باشد. و برطرف کردن ماتیکور و رنگ ناخون واجب است، چون مانع رسیدن آب به پوست بدن می شود به خلاف حنا و رنگ که تنها رنگ پوست را تغییر می دهند و مانع رسیدن آب به پوست نمی شوند.

سنتهای غسل:

سنتهای غسل عبارتند از :

تسمیه (بسم الله گفتن)، و شستن دستان پیش از داخل کردن آنها در ظرف آب که دلیل آن به تفصیل در مبحث وضوء بیان گردیده است، و پیش از غسل وضوءی کامل گرفتن، چون عایشه رضی الله عنها میفرماید: « كَان رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ تَوَضَّأَ وَضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ ». (رواه الشيخان).

(پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم هرگاه غسل جنابت می کرد همان گونه که برای نمازش وضوء می گرفت برای غسل نیز وضوء می گرفتند).

بخاری از میمونه رضی الله عنها همسر اسلام روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم (در وضوءی که برای غسل جنابت می گرفت شستن پاها را بتاخیر می انداخت).

قاضی حسین میگوید: شخص مخیر است بین این که وضوءیش را به صورت کامل بگیرد یا شستن پاها را تا بعد از فراغت از غسل بتاخیر بیاندازد. چون هر دو روایت صحیح می باشند. از جمله سنتهای غسل آنست که برای احتیاط و خروج از خلافتی که وجود دارد به تمام قسمتهای بدن که ممکن است دست بکشد، و لابلای بدن را که روی هم قرار می گیرند از زیر بغل و لابلای چین و چروک پوست شکم و داخل ناف و گوشها را نیکو بشوید و دست بکشد، چون آنوقت اطمینان حاصل می شود که به تمام پوست بدن آب رسیده است بخصوص داخل گوشها که توصیه می شود یک مشت آب بر دارد و به آرامی گوش را روی آن خم کند تا آب به زوایا و لابلای آن برسد. و یکی دیگر از سنتهای غسل موالات و شستن اندامها به دنبال هم و پیش از خشک شدن اندام قبلی است. و یکی دیگر شستن ظاهر و باطن اندامهای طرف راست بدن پیش از طرف چپ است که اول از شستن سر سپس طرف راست و پس از آن طرف چپ شروع می کند.

چون پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در طهارت خود ابتدا کردن بطرف راست را دوست می داشت. که متفق علیه اصحاب صحاح است و روایت آن قبلا یادآوری شد.

یکی دیگر سه بار انجام دادن شستشوی بدن است که سرش را می شوید و سه بار بر آن دست می مالد سپس اندامهای دیگر نیز به همین کیفیت. به جهت پیروی از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و اقتدا به وی سنت است که آب غسل کمتر از مقدار یک صاع (چهار من) و آب وضوء کمتر از مقدار یک من نباشد، چون به روایت مسلم از سفینه آمده است که یک صاع آب برای غسل پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و یک مد آب برای وضوءی او کفایت می کرد. و تجدید غسل سنت نیست چون در سنت نیامده و مشقت دارد، ولی تجدید وضوء سنت است اگر با آن نمازی خوانده باشد. چون ابو داود و غیر او روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «مَنْ تَوَضَّأَ عَلَى طَهْرٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ» (هرکسی در حال پاکی و با وجود داشتن وضوء، وضوءی خود را تجدید کند خداوند ده حسنه و نیکی را به حساب وی می نویسد).

و در اول اسلام برای هر نمازی وضوءی جداگانه واجب بود که این وجوب نسخ گردید و استحباب آن باقی ماند.

و مستحب است که در حال جنابت سر را نتراشد و ناخن را نچیند و تا تمام اجزای بدن پاک باشد، و بعد از طهارت بدین کار مبادرت ورزد.

و مستحب است که بعد از فراغت از غسل بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» چون پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می کرد و به جهت اقتدای به وی

غسل

عمل مستحب است.

بصورت کل فرضهای غسل:

عبارتند از :

اول : نیت و شستن دهن، و شستن بینی.

دوم - آب انداختن بر تمام بدن .

وسننهای غسل عبارتند از :

اول - شستن دست.

دوم - شستن جای مخصوص، چه از مرد و چه از زن.

سوم - دور کردن نجاست از بدن.

چهارم - وضوء کردن قبل از غسل نمودن.

پنجم - شستن همء اعضاء سه مرتبه. (زنیکه موی خود را بافته است لازم نیست که آنرا باز کند

ولی باید آب را در زیر موی برساند و پوست سر را تر کند.)

وضوء قبل از غسل:

طوریکه در فوق یاد اور شدیم : در مسائل احکام نباید عقل بشری را ملاک و معیار برتری یا ضعف حکمی قرار داد! ما حکمت بسیاری از احکام را نمی دانیم، بطور مثال از اینکه ما چرا اساساً نماز میخوانیم ، ما چرا روزه میگیریم ، ما چرا به حج و عمره میرویم ویا ما چرا نماز عصر را چهار رکعت میخوانیم ، و نماز شام چرا سه رکعت بجا میآوریم و غیره و غیره ... حکمت این احکام فقط نزد پروردگار با عظمت است و بس و چون به ما خبر داده نشده که حکمت آن چیست، ما مسلمانان مکلفیت داریم که اجرای این احکام شرع را بدون کم وکاست اطاعت کنیم و بدینوسیله خود را از آتش جهنم نجات دهیم.

پروردگار با عظمت ما میفرماید : « وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ » (سوره حشر آیه : 7) (آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) الله بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! همچنان خداوند متعال با زیبای خاصی میفرماید : « وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ » (سوره نجم آیات : 3-4) (و (محمد) از سر هوای نفس سخن نمیگوید این سخن جز و حی که به او فرستاده می شود نیست).

آنچه که محمد صلی الله علیه وسلم بدان نطق می کند و حی از جانب الله است که به سوی او فرستاده می شود و او نه در آن کم می کند و نه می افزاید.

بنابراین اعمال و احکامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام می دهند از روی هوا و هوس یا تعقل خود ایشان نبوده است، یعنی ایشان نیامده که در مورد عملی ابتدا فکر کنند و بعد ببینند کدام عمل را برای مسلمانان تشریح کند کدام اعمال بهتر است! ویا اینکه کدام اعمال بهتر نیست . بلکه آنحضرت هر عملی را که بعنوان سنت و شرع به مسلمانان آموخته توسط وحی به او ابلاغ شده است و به اصطلاح پیامبر صلی الله علیه وسلم مبلغ شرع الله بوده نه شارع، و شارع فقط الله تعالی است و بس، ولی ما مسلمانان که با وحی ارتباط نداریم لازمست اعمال خود را از پیامبر صلی الله علیه وسلم تقلید کنیم . یکی از این مسایل طهارت و مسایل احکام وضوء و غسل است.

اما موضوع وضوء قبل از غسل:

به روایاتی متعددی به اثبات رسیده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم ابتدا وضوء می گرفت و بعد از آن غسل نموده است . وضوء گرفتن قبل از غسل پیامبر صلی الله علیه وسلم ، بدون شک اختراع وابتکار شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم نمی باشد ، بلکه آنرا بوسیله وحی از شارع یادگرفته اند پس مورد تایید عالم حکیم یعنی باری تعالی است.

غسل

دوما حکمت آن برای ما مهم نیست، زیرا وظیفه ما مسلمانان تبعیت از پیامبر صلی الله علیه وسلم است نه پیدا کردن حکمت آن.

سوما پیامبر صلی الله علیه وسلم ابتدا شروع به وضوء گرفتن می نمود ولی وضوءیش را کامل نمی گرفت، بلکه در ادامه غسل کامل می کرد و بعد وضوءیش را ادامه می داد، یعنی وضوءی پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانی کامل می شد که غسل ایشان کامل شده بود، زیرا ایشان هنگامی که وضوء می گرفتند، شستن پاهایشان را موقوف می کردند به بعد از انجام غسل و بعد پاهای مبارکشان را می شستند و بدین ترتیب وضوء کامل می شد.

خواننده محترم!

انجام غسل امر بی نهایت ساده و آسان است، ضرورت نیست این موضوع از موضوعات پیچیده ای و به اختلافات کشانیده شود: خلاصه مطلب همین است طوریکه در فوق هم تذکر دادم: که اگر کسی میخواهد غسل کند او در برابر خویش دو طریقه غسل کردن را دارد: یا آنکه در غسل کردن خود میخواهد فقط ارکان و واجبات غسل را مرعات نموده و به انجام غسل اقدام نماید و یا اینکه میخواهد در عمل غسل در جنب رعایت ارکان و واجبات میخواهد سنت ها غسل را نیز رعایت کند.

اگر قرار باشد که در غسل صرف ارکان و واجبات را مورد رعایت قرار میدهد، بناً طریقه اش همان است طوریکه گفتیم: که در قلب خویش نیت غسل را بعمل آورده وزیر دوش رفته، در صورتیکه آب به تمام بدنش برسد و تر شود غسل آن تکمیل و بجا آمده است. ولی اگر قرار باشد که در ضمن رعایت ارکان و واجبات غسل سنت های غسل نیز رعایت گردد همین است که غسل به طریقه پیامبر صلی الله علیه وسلم صورت بپذیرد، تا در جنب رعایت ارکان و واجبات غسل، سنتهای آنرا نیز انجام دهد: تا از فضیلت و ثواب این پیروی کردن بیشتر بهره مند شود. بناً در عملی کردن طریقه غسل پیامبر صلی الله علیه وسلم دو طریقه ذیل در احادیث روایت گردیده است:

طریقه اول:

در حدیثی از حضرت بی بی عایشه (رضی الله عنها) روایت است: «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا اغتسل من الجنابة يبدأ فيغسل يديه، ثم يفرغ بيمينه على شماله فيغسل فرجه، ثم يتوضأ وضوءه للصلاة ثم يأخذ الماء فيدخل صابغه في أصول الشعر، حتى إذا رأى أن قد استبرأ حفن على رأسه ثلاث حففات، ثم أفاض على سائر جسده، ثم غسل رجليه». «پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام غسل جنابت ابتدا دستهایش را می شست، سپس با دست راستش بر طرف چپش آب می ریخت و شرمگاهش را می شست. آنگاه وضوءی همچون وضوءی نماز می گرفت و آب برمی داشت و با انگشتانش بین موهایش را خلال می کرد تا مطمئن شود که آب به پوست رسیده است سپس سه مشت آب بر سرش می ریخت و بدنبال آن بر سایر بدنش آب می ریخت، و در آخر پاهایش را می شست».

طریقه دوم:

طریقه دوم را شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم در سوال یک نفر سائل در مورد غسل جنابت بشرح ذیل توضیح داشته است: «آب را بردارد و با آن به خوبی وضوء بگیرد سپس آب را بر سرش بریزد و آن را مالش دهد تا آب به تمام نقاط سرش (زیرموها) برسد، سپس آب را بر سایر بدنش بریزد». مسلم (332)

مطابق این فهم این دو حدیث، متوجه می شویم که پیامبر صلی الله علیه وسلم وضوءی خود را با شستن پاهایشان در انتهای شستن بدن کامل می نمود، و ابتدا چند مشت آب بر سرشان می ریختند بعد بدن مبارکشان را نیز آب می ریختند تا کاملاً شسته یا وتر شود.

غسل

خلاصه مطالب:

اگر شخصی نیت و قصد داشته باشد تا غسل خویش به طریقه سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام دهد در به اجرا آوردن غسل نکات ذیل مراعات نماید:

- 1- شستن هر دو دست سه بار،
- 2- سپس شستن شرمگاه،
- 3- بدنبال آن به همانگونه که برای نماز وضوء می‌گیرد، وضوءی کاملی بگیرد، یا می‌تواند شستن پاها را بعد از اتمام غسل انجام دهد. این در صورتی است که در طشت و امثال آن خود را بشوید.
- 4- بدنبال وضوء، سه بار آب بر سر خود بریزد و لابلای موها را خلال کند تا آب به بیخ موها برسد.

5- بعد از آن آب را بر بقیه‌ی بدنش بریزد از طرف راست شروع کند و بعد طرف چپ و همراه آن زیر بغلها و داخل گوشها و ناف و مابین انگشتان پا را بشوید و بر اندامها دست کشد.

فراموش نباید که ما در اجرای احکام شرع در حد توانایی انسانی خویش مکلف میباشیم «فَاتَّقُوا

اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (سوره تغابن آیه : 14) یعنی: «پس تا (جانیکه) توانایی دارید از خدا پروا بدارید» یعنی: تا آنجا که طاقت و توان دارید، سعی و کوشش خویش را بخرچ دهید، تقوا و ترس از الله را در تطبیق احکام فراموش نه فرماید، طوریکه حضرت ابوهریره رضی الله عنه در حدیثی میفرماید:

«إذا أمرتكم بأمر فأتوا منه ما استطعتم، وما نهيتكم عنه فاجتنبوه: چون شما را به امری فرمان دادم پس تا آنجا که می‌توانید آنرا انجام دهید و از آنچه که شما را از آن نهی می‌کنم، بپرهیزید». (بخاری).

بنآ هر حکمی که در شرع اسلام ثابت شده باشد و قرآنعظیم الشان و سنت نبوی بر آن تاکید کرده باشند، مکلف به اجرای آن حکم و فعل هستیم و آن جزو شرع مقدس ما است. همچنان نباید فراموش کرد که: ما مسلمانان هرآنچه که آموخته ایم از رسول الله صلی الله علیه وسلم آموخته ایم و پیامبر صلی الله علیه وسلم معلم انسانها برای دین و شریعت الله تعالی است، و معتقد باشیم که آنحضرت هیچ عملی را بدون تایید باری تعالی انجام نمی‌دهد.

غسلهای سنت و مستحب:

در موارد زیر غسل سنت است:

اول: غسل روز جمعه:

غسل روز جمعه از سنت های پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده و با تمام صراحت فرموده است: « مَنْ تَوَضَّأَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَبِهَا وَنِعْمَتْ، وَمَنْ اغْتَسَلَ فَأَلْغَسَلُ أَفْضَلُ » (رواه الترمذی). (هرکس در روز جمعه وضوء گیرد و به جمعه برود به سنت عمل نموده و کار خوبی انجام می‌دهد و هرکس غسل کند خیلی بهتر است).

ناگفته نباید گذاشت که برخی علماء حتی بر واجب بودن غسل روز جمعه مطابق حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم حکم نموده اند: « مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ فَلْيَغْتَسِلْ ». (رواه مسلم) (هرکس بخواد به جمعه برود باید غسل کند).

استدلال این عده علماء بر این است که: چون ظاهراً امر برای وجوب است و حدیث: « غُسْلُ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ ». (رواه الشیخان). « غسل جمعه بر هرکس که محتلم شده و بحد بلوغ رسیده باشد واجب است».

یادداشت فقهی در مورد وقت غسل جمعه:

غسل

وقت سنت بودن غسل جمعه از طلوع فجر صادق روز جمعه شروع میشود تا نزدیک رفتن به نماز جمعه و نزدیک به رفتن نماز جمعه آنرا انجام دهد بهتر است، چون مقصود آنست که وقت ازدحام و انبوه مردم بوی عرق و بوی بد قطع گردد.

ولی در صورتیکه مساله زود رفتن به نماز جمعه و غسل با هم تعارض داشته باشند مراعات غسل بهتر از زود رفتن است، چون در وجوب غسل اختلاف است.

یادداشت جمع بین غسل جمعه و غسل جنابت :

شیخ ابن عثیمین در این مورد میفرماید : « ممانعتی وجود ندارد ، یعنی اگر هر وقت کسی جنب باشد و غسل کند و نیتش از آن رفع جنابت و غسل جمعه باشد، در این مورد مشکلی وجود ندارد ، طوری که اگر کسی داخل مسجد شود و دو رکعت نماز را به نیت سنت راتبه و تحية المسجد بخواند مشکلی وجود ندارد.

شیخ ابن عثیمین می افزاید : و این مسئله از سه حالت خارج نیست :

حالت اول : تنها نیت رفع جنابت می آورد.

حالت دوم : نیت غسل جنابت و و جمعه می آورد.

حالت سوم : تنها نیت غسل جمعه می آورد.

و حالت دیگری باقی می ماند و آن : نیت هیچکدام از آن دو را نیاورد، که البته این امر ممکن نیست وارد شود.

پس هرگاه نیت غسل جنابت داشته باشد؛ چنانچه بعد از طلوع آفتاب باشد بجای غسل جمعه نیز کفایت کند، و اگر هر دو نیت را باهم داشته باشد هر دو اجر را کسب خواهد کرد، ولی اگر تنها نیت غسل جمعه داشته باشد از غسل جنابت بی نیاز نخواهد شد؛ زیرا غسل جمعه به سببی غیر از سبب غسل جنابت است، و غسل جنابت به دلیل رفع حدث (بی وضوئی) است و لازمست نیت رفع حدث بر آن برده شود. و بعضی علماء گفتند : دوبار غسل کند، ولی این رأی بدون دلیل است». (تفصیل موضع را میتوان در مجموع فتاوی ابن عثیمین (137/16) مطالعه فرماید .)

دوم: غسل کردن برای عید فطر و عید قربان:

محدثین مینویسند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در طول زندگی خویش بطور متدوم برای عید فطر و عید قربان غسل میگرد . (روای حدیث ابن عباس).

همچنان سیرت نویسان می افزاینده عادت مبارک حضرت ابوبکر صدیق ، امیر المومنین حضرت عمر ، حضرت عثمان و حضرت علی نیز چنین بود که در ایام عید غسل می گرفتند . غسل برای نماز عیدین مراسم دینی است که : تعداد کثیری از جمعیت مسلمانان در آن سهم میگیرند ، علماء بدین نظر اند که : غسل عیدین بعد از صبح صادق و پیش از آن جایز است، و در آن خلافتی نیست بنا بقول ارجح و مقصود از پیش از فجر نیمه دوم شب است.

سوم : غسل برای نماز استسقاء (طلب باران) و نماز کسوف و خسوف :

به علت اینکه تعدادی کثیری از مسلمانان در ادای نماز استسقاء سهم میگیرند ، علماء بدین نظر اند که مانند غسل روزجمعه غسل در این مواقع نیز سنت است.

چهارم: غسل برای کسی که مرده را شسته است:

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است : «مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَلْيَغْسِلْ وَمَنْ حَمَلَهُ فَلْيَتَوَضَّأْ» .

هرکس میتی را شست باید غسل کند، و هرکس جنازه را حمل کرد وضوء بگیرد).

امر در این احادیث دال بر استحباب می باشد چون در حدیث دیگری آمده است : «إِنَّ مَيِّتَكُمْ يَمُوتُ طَاهِرًا فَحَسْبُكُمْ أَنْ تَغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ» (رواه البیهقی) (مرده شما پاک است چون به وی دست زدید

کفایت می کند شما را که دستتان را بشوید). (رواه الترمذی .)

پنجم: غسل کافر وقتی که اسلام بیاورد:

غسل

محدثین مینویسند زمانیکه قیس بن عاصم و ثمامة ابن اثال خواستند تا به دین مقدس اسلام مشرف شوند، برایشان دستور داد شد که غسل کنند. در حدیثی از قیس بن عاصم روایت است: « آنه أسلم فأمره النبي صلى الله عليه وسلم أن يغتسل بماء و سدر» (نسایی). (قیس بن عاصم مسلمان شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او امر کرد تا با آب و سدر غسل کند). ولی ناگفته نباید گذاشت که پیامبر صلی الله علیه وسلم غسل کردن را بر آنان واجب نکرد. چون قبل از اینها جماعتی هم اسلام آوردند و به آنان امر نکرد که حتماً غسل کنند و چون اسلام آوردن توبه و پشیمانی از معصیت است و قابل توجه است که برای توبه از معصیت غسل واجب نمی باشد مانند دیگر معصیتهای. و این برای کافری است که در حال کفر جنب نشده باشد، اگر احیاناً کافر در حال کفر بوده باشد بعد از اسلام آوردن، غسل بر او لازم و واجب است زیرا نیت غسل او در حال کفر صحیح نبوده است.

ششم: غسل دیوانه هنگامی که بهبود یابد و غسل بیهوش شده:

چون بیهوش آید برای اینکه احتمال دارد انزالی صورت گرفته باشد.

هفتم: غسل به وقت احرام بستن:

در مورد غسل به وقت احرام بستن در حدیثی روایت شده از زید بن ثابت آمده است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم لباس خود را برای احرام بیرون آورد و غسل کرد. (راوی حدیثی ترمذی). ناگفته نباید گذاشت در انجام غسل به وقت احرام بستن فرقی بین مرد و زن و کودک وجود نداشته و بر همه آنها غسل احرام سنت است.

اگرچه زن قاعدگی یا حالت بعد از زایمان داشته باشد بالای اش غسل احرام سنت است، چون اسماء دختر عمیس همسر ابوبکر صدیق در ذی الحلیفه حالت بعد از زایمان برایش پیش آمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم به وی امر کرد که غسل احرام کند. (مسلم آن را روایت کرده است). عاقل و دیوانه و کودک صاحب تمییز و بی تمییز هیچکدام در این مورد با هم فرقی ندارند. اگر احرام گیرنده آب نیافت تیمم کند، و اگر آب داشت و برای غسل او کفایت نمی کرد بدان مقدار آب که دارد وضوء بگیرد چون آنچه که مقدور و ممکن است با آنچه که مقدور و ممکن نیست ساقط نمی شود.

هشتم: غسل برای دخول در مکه مکرمه:

مطابق روایت محدثین زمانیکه ابن عمر رضی الله عنهما میخواست به مکه وارد شود شب در «ذی طوی» می ماند تا اینکه صبح می شد در وقت صبح غسل می کرد و در روز به مکه مکرمه داخل می شد و می گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می کرد. شیخین چنین روایت کردند. در این که غسل برای ورود به مکه مستحب است فرق نمی کند که شخص احرام به حج یا احرام به عمره بسته یا اصلاً احرام نبسته باشد.

امام شافعی در «أم» گفته است: کسی که احرام نبسته است سنت است که غسل کند، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم در سال فتح مکه احرام نبسته بود و مواد خوشبو استعمال می کرد، ولی برای ورود به مکه غسل کرد.

نهم: غسل برای وقوف در عرفه:

چون ابن عمر ابن عمر رضی الله عنهما چنین می کرد، (مالک آن را روایت کرده). و چون عرفه محل

تجمع مردم است پس برای آن هم مانند جمعه غسل سنت است.

دهم: غسل برای رمی جمرات:

و سنگ ریزه انداختن به جمره ها غیر جمره عقبه که به وقوف در عرفه نزدیک است. (و تازه برای وقوف در عرفه غسل کرده است) ولی وقت رمی جمرات دیگر از وقت دور است و چون وقت رمی جمرات دیگر بعد از زوال آفتاب از خط استوا صورت می گیرد که وقت شدت گرما است و مردم

غسل

فراوان تجمع می کنند.

یازدهم: غسل برای طواف خانه کعبه:

که شامل هر سه طواف ، طواف القدوم و طواف الإفاضة و طواف الوداع (طواف به وقت ورود و طواف برای پراکنده شدن و طواف به وقت خداحافظی) می شود، چون هر سه وقت تجمع مردم است. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به فقه اسان تألیف :احمد عیسی عاشور).

ترتیب غسل:

برای کسیکه غسل می کند، سنت است افعالی را مراعات کند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم در انجام غسل خود آنرا رعایت فرموده است :

1- شستن هر دو دست سه بار

2- سپس شستن شرمگاه

3- بدنبال آن به

همانگونه که برای نماز وضوء می گیرد، وضوءی کاملی بگیرد، در ضمن می تواند شستن پاها را بعد از اتمام غسل انجام دهد. این در صورتی است که در طشت و امثال آن خود را بشوید.

4- بدنبال وضوء، سه بار آب بر سر خود بریزد و لابلای موها را خلال کند تا آب بیخ موها برسد.

5- بعد از آن آب را بر بقیه ی بدنش بریزد ، البته از طرف راست بدن خویش شروع کند و بعد طرف چپ و همراه آن زیر بغلها و داخل گوشها و ناف و لای انگشتان پا را بشوید و بر اندامها دست کشد.

علت اینکه مستحب است قبل از غسل وضوء گرفت ، سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است چنانکه در حدیثی از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت است که: « کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا اغتسل من الجنابة يبدأ فيغسل يديه، ثم يفرغ بيمينه على شماله فيغسل فرجه، ثم يتوضأ وضوءه للصلاة ثم يأخذ الماء فيدخل صابعه في أصول الشعر، حتى إذا رأى أن قد استبرأ حفن على رأسه ثلاث حففات، ثم أفاض على سائر جسده، ثم غسل رجليه»

(پیامبر صلی الله علیه وسلم بهنگام غسل جنابت ابتدا دستهایش را می شست، سپس با دست راستش بر طرف چپش آب می ریخت و شرمگاهش را می شست. آنگاه وضوءی همچون وضوءی نماز می گرفت و آب برمی داشت و با انگشتانش بین موهایش را خلال می کرد تا مطمئن شود که آب به پوست رسیده است سپس سه مشت آب بر سرش می ریخت و بدنبال آن بر سایر بدنش آب می ریخت سپس پاهایش را می شست). متفق علیه.

هكذا در حدیثی دیگری از بی بی عایشه (رضی الله عنها) روایت است که روزی اسماء رضی الله عنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره غسل حیض سؤال کرد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « تأخذ إحدان ماءها و سدرتها، فتطهر، فتحسن الطهور ثم تصب على رأسها فتدلكه دلکا شديدا، حتى تبلغ شئون رأسهاف ثم تصب عليها الماء، ثم تأخذ فرصة ممسكة فتطهر بها فقالت أسماء : كيف أظهر بها؟ فقال : سبحان الله تطهري بها، فقالت عائشة كأنها تخفى ذلك : تتبعين بها أثر الدم.

وسألته عن غسل الجنابة، تأخذ ماء فتطهر فتحسن الطهور أو تبلغ الطهور ثم تصب على رأسها فتدلكه حتى تبلغ شئون رأسها، ثم تفيض عليها الماء» (مسلم)

(هر کدام از شما مقداری آب و سدر را بردارد و با آن به خوبی طهار بگیرد سپس آب را سرش بریزد و خوب آن را مالش دهد تا آب به تمام نقاط سرش (زیرموها) برسد. سپس آب را بر خودش بریزد و تکه پنبه ای آغشته به مسک را برداشته و با آن خود را پاک کند، اسماء گفت : چگونه با آن خود را پاک کند؟ فرمود : سبحان الله! خودش را با آن پاک کند، عایشه در حالی که گویا

غسل

می‌خواست آن را (از دیگران) پنهان کند، گفت: با آن تکه پنبه آغشته به مسک، اثر خون را پاک کند).

همچنین از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره غسل جنابت سوال کرد، فرمود: «آب را بردارد و با آن به خوبی وضوء بگیرد سپس آب را بر سرش بریزد و آن را مالش دهد تا آب به تمام نقاط سرش (زیرموها) برسد، سپس آب را بر سایر بدنش بریزد».

اما اگر کسی غسل واجب داشت (غسل جنابت و حیض و نفاس) و غسل کرد، لازم نیست وضوء بگیرد،

یعنی هرگاه کسی غسل واجب کرد و وضوء نگرفته بود، آن غسل بجای وضوء نیز کافی است (احتیاجی به وضوء گرفتن مستقل نیست). زیرا در حدیثی حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها بیان گردید که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از غسل وضوء نمی‌گرفت».

در حدیثی دیگری از ابن عمر روایت شده که: «مردی پیش او گفت: من بعد از غسل وضوء می‌گیرم. در جواب او گفت: «لقد تغمقت» (پشت خود را بدرد مبتلا کردی (کار بیهوده‌ای کرده‌ای) و خود را خسته کردی).

عالم شهیر جهان اسلام محمد بن عبد الله بن محمد المعافری، مشهور به القاضی أبو بکر بن العربی می‌فرماید: علماء در آن اختلاف ندارند که غسل وضوء را نیز در بر می‌گیرد و نیت

طهارت از جنابت «نیت» وضوء را تکمیل می‌کند و آنرا از بین می‌برد. زیرا موانع جنابت از موانع نداشتن وضوء بیشترند. پس نیت طهارت از موانع بیشتر، طهارت از موانع کمتر را نیز، شامل می‌شود و بجای آن کافی است.

اقسام طهارت:

طهارت شامل دو قسمت است:

1- طهارت از حدث اصغر که بدان وضوء گرفتن می‌گویند.

2- طهارت از حدث اکبر که به آن غسل کردن می‌گویند.

منظور از حدث اصغر، بی وضوءی است؛

وضوء عبارت است از طهارت و پاکیزگی صورت و دست و سر و پا با آب، که تفصیل آن در فصل وضوء بیان گردید.

با رفع بی وضوءی و داشتن وضوء ما می‌توانیم نماز بخوانیم و در حقیقت نماز بدون وضوء نزد الله تعالی قبول نیست. زیرا الله تعالی در قرآن عظیم الشان می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ » (سوره مائده آیه 6).

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه خواستید که برای ادای نماز

بپا خیزید و وضوء نداشتید، صورتتان را و دستهایتان را تا آرنج بشوید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا بچلک نیز بشوید).

و همچنین رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: « لا يقبل الله صلاة أحدكم إذا أحدث حتى يتوضأ »

(وقتی که وضوء نداشتید، خداوند نماز شما را نمی‌پذیرد مگر اینکه وضوء بگیرید

و آنوقت نماز بخوانید). شیخین و ابوداود و ترمذی آنرا روایت کرده‌اند.

اما حدث اکبر یا واجب شدن غسل:

غسل

پاکی از حدث اکبر بر وضوء نیز مقدم تر است. یعنی اگر کسی وضوء بی کامل هم بگیرد مادامیکه بر او غسل واجب شده باشد، نمی تواند نماز بخواند. غسل نیز برای بعضی از عبادات واجب می شود.

آنچه غسل را واجب می کند:

اول: خروج منی در حالت بیداری یا خواب:

به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : « إنما الماء من الماء » مسلم. (غسل با) آب به سبب خروج آب (منی) است.».

در حدیثی از ام سلمه روایت است که ام سلیم گفت : « یا رسول الله إن الله لا يستحي من الحق، فهل على المرأة غسل إذا احتلمت؟ قال نعم إذا رأت الماء » (بخاری و مسلم) (ای رسول خدا! الله از بیان حق شرم نمی کند، آیا بر زن واجب است وقتی احتلام شد، غسل کند؟ فرمود : بله، هرگاه آب (منی) را دید).

البته هنگام بیداری، خروج منی به شرطی موجب غسل می شود که باشهوت همراه باشد ولی در خواب این شرط لازم نمی باشد به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : « إذا حذفت الماء فاعتسل من الجنابة، فإذا لم تكن حاذفا تغتسل » (ارواء الغلیل البانی.) (وقتی آبراه به حالت جهیدن بیرون کردی غسل جنابت کن ولی اگر آب به حالت جهیدن بیرون نشد غسل نکن).

اگر کسی در خواب محتلم شود ولی آب منی نبیند، غسل بر او واجب نمی شود ولی اگر آب منی را ببیند و احتلامی را در خواب به یاد نداشته باشد، غسل بر او واجب می شود، از عایشه روایت است : «سئل رسول الله صلی الله علیه وسلم عن الرجل يجد الببل و لا يذكر احتلاما؟ فقال : يغتسل، و عن الرجل يرى أنه قد احتلم و لا يجد الببل؟ فقال : لا غسل عليه » (ترمذی.) (از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره کسی که تری را می بیند ولی احتلامی به یاد نمی آورد سؤال شد، فرمود : غسل کند و همچنین درباره کسی که گمان می کند محتلم شده، بدون اینکه رطوبتی را ببیند، سؤال شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود : غسل بر او واجب نیست).

دوم: جماع، اگرچه منی خارج نشود:

در حدیثی از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « إذا جلس بين شعبها الأربع ثم جهدها فقد وجب الغسل و إن لم ينزل » (مسلم.) (هرگاه بین رانهای زن بنشیند و شروع به آمیزش کند، غسل بر او واجب می گردد؛ اگرچه منی هم خارج نشود).

حکمت و فلسفه غسل جنابت :

چرا در دین مقدس اسلام در وقت جنابت حکم بر غسل جسم بعمل آمده است ؟ قبل از همه باید گفت که : هدف از غسل جنابت، پاک سازی نوعی آلودگی روحی است . که روش پاکي آثار شرعیت دین مقدس اسلام و سایر ادیان ابرهیمی با تفصیل بیان داشته است . در احکام الهی با تمام صراحت بیان گردیده است که هدف گرفتن غسل ، وضو و یا هم تیمم این است که مؤمن مسلمان باید طاهر و پاک شود «ولکن یرید لیطهرکم » (ولیکن الله میخواهد شما را پاک کند) (سوره مائده آیه 6) این بدین معنی است تا زمانی که انسان طاهر و پاک نشود به پروردگار که طیب و پاک است نمی رسد ، و طاهرات محبوب ذات پروردگار میباشد «والله یحب المطهرین » (و خدا کسانی را که خواهان پاکي اند دوست دارد) (سوره توبه آیه 108)

خواننده محترم !

از جانب دیگر اطباء حکمت و فلسفه غسل را در وقت جنابت از فهم طبی مورد بررسی قرار داده میفرمایند : خارج شدن منی از انسان یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زواید) که بطور نورمال از بدن خارج میشوند ، اثرات خروج منی در تمام بدن اشکار میگردد، طوریکه تمام سلوهای بدن بعد از خروج منی در یک حالت فوق العاده و سستی مخصوص قرار میگرد ، این حالت سستی در بدن بدین معنی است که خروج منی بر تمام اجزای بدن تاثیرات معینی و خاصی خویش را

غسل

بخشیده است .

اطباء می افزایند : در بدن انسان دو سلسله اعصاب نباتی وجود دارد که تمام فعالیت های بدن را تحت کنترل خویش دارد ، (اعصاب سمپاتیک) و (اعصاب پاراسمپاتیک) این دو رشته اعصاب در سراسر بدن انسان و در اطراف تمام دستگاه ها و جهازات داخلی و خارجی گسترده اند .
وظیفه اعصاب سمپاتیک (تند کردن) و به فعالیت واداشتن دستگاه های مختلف بدن است و وظیفه اعصاب (پاراسمپاتیک) (کند کردن) فعالیت آنهاست و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب نباتی دستگاه های بدن به طور متعادل کار می کند .

گاهی جریان هایی در بدن رخ می دهد که این تعادل را به هم می زند، از جمله این جریانها مسأله (ارگاسم = اوج لذت جنسی) است که معمولاً مقارن خروج منی صورت می گیرد .
در این موقع سلسله اعصاب پاراسمپاتیک بر اعصاب سمپاتیک غلبه حاصل میکند و تعادل به شکل منفی به هم می خورد .

این موضوع نیز ثابت شده است که از جمله اموری که می تواند اعصاب سمپاتیک را بکار وادارد و تعادل از دست رفته را تأمین کند تماس آب با بدن است و از آن جا که تأثیر (ارگاسم) روی تمام اعضای بدن به طور محسوس دیده می شود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن به هم می خورد دستور داده شده است که پس از آمیزش جنسی یا خروج منی تمام بدن با آب شسته شود و در پرتو اثر حیات بخش آن تعادل کامل در میان آن دو دسته اعصاب در سراسر بدن برقرار گردد .
ناگفته نباید گذاشت که اجرای غسل صرف برای تحقق امور صیحی نبوده بلکه ، غسل بعد از جنابت از جمله عبادت در شرع اسلامی بشمار میرود، و به همین دلیل است که اگر احیاناً غسل جنابت بدون نیت صورت گیرد ، در جمله غسل جنابت محسوب نمیشود .

از جانب دیگر باید گفت که : در وقت خروج منی یا آمیزش جنسی هم روح انسان متأثر می شود و هم جسم . روح انسان به سوی شهوات مادی کشیده می شود و جسم انسان به سوی سستی و رکود . غسل جنابت که هم شستشوی جسم است و هم به علت اینکه به قصد قربت انجام می یابد شستشوی جان است، اثر دوگانه ای بر روی جسم و روح می گذارد ، روح را به سوی الله و معنویت سوق میدهد و جسم را به سوی پاکی و نشاط و فعالیت .

خواننده محترم !

از همه این حکمت ها صیحی که بگزیریم ، وجوب غسل جنابت یک حکم اسلامی برای پاک نگه داشتن بدن و رعایت حفظ الصحه در طول زندگی است زیرا بسیاری از کسانی هستند که از نظافت خود غافل می شوند ولی این حکم اسلامی آنها را وادار می کند که در فواصل مختلفی خود را شستشو دهند و بدن خویش را پاک نگاهدارند .

سوم: کافری که مسلمان می شود:

تفصیل آن در فوق بیان گردید .

چهارم: قطع شدن خون حیض و نفاس:

حکم این مسأله در حدیثی حضرت بی بی عایشه (رضی الله عنها) چنین بیان گردیده است :
پیامبر صلی الله علیه وسلم به فاطمه بنت ابی حبیب فرمود : « إذا أقبلت الحيضة فدعي الصلاة ، وإذا أدبرت فاغتسلي و صلي » (بخاری و مسلم) . (هرگاه مدت حیض فرا رسید نماز را ترک و وقتیکه پایان یافت غسل کن و نماز بخوان) . بنا بر به اجماع ، نفاس هم مانند حیض است .
در موارد فوق ، غسل گرفتن واجب است ولی موارد دیگری نیز وجود دارند که غسل کردن در آنها مستحب است ولی واجب نیست مانند :

غسلهای مستحب:

1- غسل پس از هر جماع :

غسل

- 2- غسل مستحاضه (دائم الحيض) :
- 3- غسل بعد از بیهوشی :
- 4- غسل عید فطر و قربان و روز عرفه :
- 5- غسل بعد از شستن مرده :
- 6- غسل احرام برای حج یا عمره :
- 7- روز جمعه

ارکان غسل عبارتند از دو مورد:

- 1- نیت، به دلیل حدیث (إنما الأعمال بالنیات) (راوی حدیث: بخاری و مسلم) یعنی: «قبول و صحت اعمال به نیت بستگی دارد».
- 2- رساندن ویا هم وصول آب به تمام بدن .

یادداشت:

ولی نباید فراموش کرد که: بر زن واجب نیست که برای غسل جنابت موهای بافته شده‌اش را باز کند ولی برای غسل حیض باید آنها را باز کند:

در این مورد توجه شما را به حدیثی روایت شده از ام سلمه (رضی الله عنها) جلب مینمایم: «گفتم: ای رسول الله! من زنی هستم که موهایم را می‌بافم آیا برای غسل جنابت باید آنها را باز کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود: خیر، بلکه کافی است که سه مشت آب را بر سرت بریزی، سپس آب را بر تمام بدنت جاری کنی تا پاک شوی» (نسایی)

همچنان در حدیثی دیگری از عایشه (رضی الله عنها) روایت است که اسماء از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره غسل حیض سؤال کرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هر کدام از شما مقداری آب و سدر را بردارد و با آن به خوبی طهار بگیرد سپس آب را بر سرش بریزد و خوب آن را مالش دهد تا آب به تمام نقاط سرش (زیرموها) برسد. سپس آب را بر خودش بریزد و تکه پنبه‌ای آغشته به مسک را برداشته و با آن خود را پاک کند، اسماء گفت: چگونه با آن خود را پاک کند؟ فرمود: سبحان الله! خودش را با آن پاک کند، عایشه در حالی که گویا می‌خواست آن را (از دیگران) پنهان کند، گفت: با آن تکه پنبه آغشته به مسک، اثر خون را پاک کند» (مسلم)

همچنین در این بابت حدیثی دیگری داریم که روزی یکی از صحابه از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره غسل جنابت سؤال کرد، فرمود: «آب را بردارد و با آن به خوبی وضوء بگیرد سپس آب را بر سرش بریزد و آن را مالش دهد تا آب به تمام نقاط سرش (زیرموها) برسد، سپس آب را بر سایر بدنش بریزد».

خواننده محترم!

از فحوای احادیثی متذکره میتوان فرق بین طریقه غسل حیض و طریقه غسل جنابت را بصورت واضح دریابیم، طوریکه در طریقه غسل زن حیض آمده است که: زن حیض باید در مالیدن سرش مبالغه کند و آن را پاک نماید ولی در طریقه غسل جنابت چنین تأکیدی بعمل نیامده.

همچنین در حدیثی ام سلمه در یافتیم که در غسل جنابت واجب نیست که بصورت حتمی موی بافته شده باز گردد.

در اصل موهای بافته شده را باید باز کرد تا یقین حاصل شود که آب به بیخ آنها رسیده است. ولی در دریافتیم که در غسل جنابت بخاطر تکرار و مشقت زیاد در این کار (باز کردن موها)، مورد عفو شرع قرار گرفته است، برخلاف غسل حیض که در ماه تنها یکبار صورت می‌گیرد.

خواننده محترم!

در برپا کردن نماز بصورت درست و واقعی آن در جنب اینکه بر طهارت بدن از بی وضوعی یا حدث اکبر، و ظاهر بودن لباس تأکید بعمل آمده است، بر پاکی و طهارت محل و مکان ادای نماز که باید

غسل

از نجاسات پاک باشد نیز تاکید جدی بعمل آمده است . پایان

فهرست :

- غسل
- غسل در ادیان ابرهیمی
- مسیحیت
- موجبات غسل
- فرایض غسل
- سنتهای غسل
- وضوء قبل از غسل
- غسلهای سنت و مستحب
- ترتیب غسل:
- اقسام طهارت
- حکمت و فلسفه غسل جنابت
- غسلهای مستحب

غسل :

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »
ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**